

## اخراج اجباری مهاجرین افغان از ایران: پیامدها، ابعاد حقوقی و آموختنی‌ها

نویسنده: دکتر عبدالصبور فخری

بهار 1404 خورشیدی

### مقدمه

بیش از نیم قرن است که مردم افغانستان، به‌ویژه اقشار فقیر، به کشورهای همسایه همچون ایران و پاکستان مهاجرت می‌کنند. دلایل این مهاجرت‌ها متنوع بوده و از جستجوی معیشت بهتر، تحصیلات عالی‌تر، درمان مناسب‌تر و کسب مهارت‌های زندگی گرفته تا فرار از جنگ و ناامنی را در بر می‌گیرد. طی این مدت، بسیاری از مهاجرین افغان موفق شدند شرایط زندگی مناسبی برای خود فراهم کنند و تا حدی در جوامع میزبان ادغام شوند؛ به‌گونه‌ای که برخی حتی پیوندهای فرهنگی و اجتماعی عمیقی با این کشورها برقرار کرده و امید بازگشت به افغانستان را از دست داده‌اند.

اگرچه چنین وضعیتی در مورد مهاجرین افغان در کشورهای عربی، ترکیه و کشورهای غربی نیز صدق می‌کند، اما وضعیت مهاجرین در ایران و پاکستان به‌گونه‌ای متفاوت‌تر و پیچیده‌تر است. از یک سو شمار مهاجرین در این دو کشور زیاد است و از سوی دیگر نظام‌های حاکم بر این دو کشور از مهاجرین افغان توقعات خاص دارند. در واقع نظام‌های این دو کشور می‌خواهند از مهاجرین افغان استفاده ابزاری در راستای اهداف سیاسی و امنیتی خود نمایند. ریشه‌های این وضعیت به دوران اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی بازمی‌گردد؛ زمانی که ایران و پاکستان به‌عنوان همسایگان نگران از گسترش نفوذ شوروی، از مجاهدین افغان حمایت کردند و درهای خود را به روی مهاجرین گشودند. با وجود خروج نیروهای شوروی و فروپاشی نظام کمونیستی در افغانستان، جنگ داخلی در افغانستان ادامه یافت و موج‌های جدید مهاجرت پدید آمد.

در سال‌های اخیر، نگاه دولت‌های میزبان، به‌ویژه ایران، نسبت به حضور مهاجرین افغان دستخوش تغییراتی جدی شد. دولت ایران انتظار داشت این مهاجرین در راستای منافع ملی آن کشور حرکت کنند؛ در غیر این صورت، با فشار برای ترک خاک آن کشور مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، برخی شهروندان ایرانی و پاکستانی مهاجرین افغان را عامل کاهش فرصت‌های شغلی و درآمدی خود می‌دانند، در حالی که کارفرمایان این کشورها افغان‌ها را به دلیل مزد کمتر و کارایی بیشتر ترجیح می‌دهند. این امر دوگانگی در رویکرد نسبت به مهاجرین ایجاد کرده و به رشد پدیده «افغان‌ستیزی» دامن زده است؛ پدیده‌ای که اکنون در کشورهای چون ترکیه و حتی برخی جوامع غربی نیز مشاهده می‌شود.

در ماه‌های اخیر، تشدید روند اخراج مهاجرین افغان از ایران، موجب نگرانی گسترده‌ای در میان مردم افغانستان و نهادهای بین‌المللی شده است. گزارش‌هایی که از وضع مرز اسلام قلعه هرات رسیده نشان می‌دهد که در جریان یک روز تا مرز 40 هزار افغان مهاجر از ایران اخراج شده‌اند و در جریان یک ماه اخیر بیشتر از 400 هزار افغان خاک ایران را ترک کرده وارد افغانستان شده‌اند، در حالی که هیچ سرپناهی ندارند و نه قدرت مالی دارند که برای خود نیازهای اولیه‌شان را تدارک ببینند. مقاله حاضر تلاش می‌کند تا به بررسی اهداف جمهوری اسلامی ایران از این اقدام، پیامدهای منفی احتمالی آن، راهکارهای کاهش آسیب‌ها و ابعاد حقوقی و انسانی مسئله بپردازد و در آخر درس‌ها و آموختنی‌هایی را نیز به جهت‌های تصمیم‌ساز داخل افغانستان و نهادهای بین‌المللی که در عرصه مهاجرت و حمایت مهاجرین فعال‌اند، پیشکش نماید.

بخش نخست: اهداف ایران از اخراج اجباری مهاجرین افغان

در ماه‌های اخیر، روند اخراج مهاجرین افغان از جمهوری اسلامی ایران شدت یافته و این اقدام واکنش‌های داخلی و بین‌المللی زیادی را در پی داشته است. این تصمیم در بستر تحولات منطقه‌ای و بحران‌های داخلی ایران اتخاذ شده و به نظر می‌رسد اهداف متعددی را دنبال می‌کند.

## 1. منحرف ساختن افکار عمومی از ضعف‌های امنیتی و استخباراتی

در پی درگیری نظامی کوتاه‌مدت میان ایران و اسرائیل که منجر به بمباران برخی مراکز حساس ایران و ترور چندین شخصیت نظامی و علمی این کشور شد، نهادهای امنیتی ایران به‌خاطر ضعف در حفاظت از زیرساخت‌های استراتژیک و چهره‌های کلیدی، تحت فشار شدید افکار عمومی قرار گرفتند. دولت ایران به‌منظور انحراف اذهان عمومی و جلوگیری از پاسخگویی به افکار ناراضی، اقدام به متهم‌سازی مهاجرین افغان به جاسوسی برای اسرائیل کرد و عده‌ای را نیز بازداشت نمود. این سناریو، به‌عنوان دستاویزی جهت تسریع در اخراج مهاجرینی که اقامت قانونی ندارند، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در واقع استفاده ابزاری از یک گروه آسیب‌پذیر به‌عنوان سپر دفاعی سیاسی، در نظام‌های اقتدارگرا سابقه طولانی دارد. در این‌جا نیز مهاجرین افغان نقش "قربانی جایگزین" را بازی می‌کنند تا ناکامی‌های درونی حاکمیت پنهان شود. در حالی که حکومت ایران هیچ دلیل واضح و روشنی از جاسوسی کردن افغان‌ها بر اسرائیل ارائه نداده است، واگر چنین کاری حقیقت هم داشته باشد شاید تعدادی که این کار را انجام داده باشند به ده‌ها تن برسند که در که کمتر از صد نفر می‌شود ولی به جرم ده‌ها تن میلیون‌ها نفر مردم بیگناه را مجازات کردن نه مروت انسانی است و نه کرامت انسانی و اخلاق کریمانه.

## 2. تقویت انسجام اجتماعی و مهار نارضایتی داخلی

با توجه به افزایش نارضایتی عمومی، بحران اقتصادی و اعتراضات پراکنده در ایران، دولت تلاش می‌کند با بهره‌برداری از گفتمان «مهاجرستیزی» انسجام اجتماعی را حول یک دشمن فرضی بازسازی کند. تحریک احساسات ملی‌گرایانه و استفاده از مهاجرین به‌عنوان عامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، راهبردی است برای هم‌سو ساختن افکار عمومی با حاکمیت. ایجاد همبستگی مصنوعی در شرایط بحرانی، از طریق برجسته‌سازی تهدید خارجی یا داخلی (مهاجرین)، تاکتیکی تکراری در تاریخ سیاست‌های اقتدارطلبانه است. در سال‌های اخیر شاهد تظاهرات‌های گسترده در برابر نظام آخندی ایران از سوی ملت ایران بودیم که توسط ایادی نظام به شکل خیلی ظالمانه سرکوب گردید و عاملان آن از سالیان طولانی است که در زندان‌ها به سر می‌برند و یا اعدام می‌گردند. البته در بخش کوچکی از زندگی مردم وجود مهاجرین هم قسمتی از نارضایتی را تشکیل می‌دهد؛ ولی نظام برای روپوش گذاشتن به اسباب اصلی نارضایتی ملت به کارهایی اقدام می‌کند تا از میزان این نارضایتی بکاهد.

## 3. اعمال فشار سیاسی بر امارت اسلامی افغانستان

یکی دیگر از اهداف دولت ایران، استفاده از برگ مهاجرین افغان برای تحت فشار قرار دادن امارت اسلامی افغانستان است. ایران تلاش دارد با بازگرداندن گسترده مهاجرین، دولت طالبان را وادار به پذیرش مخالفان سیاسی مستقر در ایران یا تن دادن به مذاکرات داخلی کند. این فشار می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تنظیم توازن قدرت سیاسی در افغانستان عمل کند. شمار زیادی از مخالفین سیاسی امارت اسلامی در کشور ایران زندگی دارند و به این بهانه که بازگشتن شان به افغانستان جان شان را به مخاطره می‌افکند، ممکن است که امارت اسلامی در پی مجازات ایشان بر آید؛ از این روی در آنجا زندگی دارند حتی در تلاش آنند که از ایران به عنوان تخته خیز برای فعالیت‌های سیاسی علیه امارت اسلامی استفاده کنند و به نحوی دولت ایران را قناعت دهند که به خواست شان تن دهد. اخراج اجباری مهاجرین ممکن است که حکومت امارت اسلامی را ناگزیر سازد که به مذاکرات بین‌الافغانی تن دهد و مخالفین را به

حیث طرف های سیاسی بپذیرد و قسمتی از امتیازات را به آن ها بسپارد تا بازگشت شان به افغانستان نه از روی مجبورت بلکه آبرومندانه وبا پروتوکول صورت گیرد.

#### 4. ارسال پیام سیاسی به غرب و نهادهای بین المللی

اخراج گسترده مهاجرین، حامل پیامی آشکار به کشورهای غربی و نهادهای بین المللی است: «ایران بار سنگین بحران افغانستان را به تنهایی نمی تواند تحمل کند.» با این پیام، ایران قصد دارد ناتوانی ساختارهای بین المللی در حل بحران افغانستان را برجسته سازد و زمینه فشار بین المللی بر امارت اسلامی جهت اصلاحات سیاسی را فراهم آورد. سیاستمداران ایرانی همواره اذعان دارند که ایران میزبان بیش از هفت میلیون مهاجر افغان است و این بار سنگینی است. هرچند جهت های بین المللی این تعداد را نمی پذیرد و شمار مهاجرین افغان در ایران را حدود پنج میلیون می داند، مع الوصف، دولت ایران در تلاش آن است که تعداد مهاجرین افغان را به حد اقل برساند.

#### 5. کاهش بار امنیتی و مدیریتی

حضور میلیونی مهاجرین افغان در ایران، فشار مضاعفی را بر نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی وارد کرده است. رصد فعالیت های جمعیتی گسترده و مدیریت تحرکات اجتماعی آنان، منابع امنیتی زیادی را به خود اختصاص می دهد. از منظر دولت، خروج این جمعیت، هزینه های مدیریتی را کاهش داده و تمرکز نهادهای امنیتی را بر چالش های داخلی مؤثرتر می سازد. بحران امنیتی جنگ دوازده روزه میان ایران و اسرائیل ثابت ساخت که حکومت ایران از منظر امنیت و استخبارات در وضع اسفباری قرار داشت، تا جایی که اسرائیل توانست توسط جواسیس خود مراکز نظامی، امنیتی ایران را به سادگی مورد هدف قرار دهد و هم شخصیت های برجسته و کلیدی اش را ترور کند. ایران این ضعف را به این امر منوط دانست که گویا وجود مهاجرین غیر قانونی افغان سبب شد که به مسائل امنیتی خود رسیدگی کافی انجام داده نتواند؛ بناء باید از وجود مهاجرین افغان که مایه درد سر نیروهای انتظامی است خود را بی غم نمود. اتهام جاسوسی به مهاجرین افغان وسیله ای بود تا رهبران سیاسی خود را قناعت دهند که برای آن ها اجازه دهند که در برابر افغان ها از نیروی قهریه استفاده کنند.

#### 6. مدیریت بحران های اقتصادی و فشار بر زیرساخت ها

دولت ایران با بحران های اقتصادی متعددی چون کمبود مواد غذایی، برق، آب، دارو و سوخت مواجه است. از دید دولت، مهاجرین افغان به عنوان مصرف کنندگان این منابع محدود، فشار سنگینی بر زیرساخت های خدماتی کشور وارد می کنند. از این رو، اخراج آنان تلاشی است برای تخفیف این فشارها و اولویت دهی به شهروندان ایرانی. دولت جمهوری اسلامی ایران در شرایط عادی، مهاجرین را به عنوان نیروی کار سودمند در اقتصاد می داند و از داخل شدن شان به ایران مانع نمی شود بلکه استقبال می کند، اما در شرایط بحران، اغلب به آن ها به عنوان تهدید می بیند.

#### 7. پیشگیری از گسست فرهنگی و چالش هویتی

تراکم بالای مهاجرین در برخی مناطق شهری ایران موجب شکل گیری تجمعات فرهنگی و قومی جداگانه ای شده که از دید نهادهای فرهنگی ایران، می تواند تهدیدی برای یکپارچگی فرهنگی کشور تلقی شود. دولت با سیاست اخراج، به دنبال تقویت همگون سازی فرهنگی و جلوگیری از شکل گیری "جزایر هویتی" در دل شهرهای بزرگ است. مثلاً در شهرهایی مانند مشهد و تهران تجمع مهاجرین افغان بیشتر است و این امر سبب می شود که دولت ایران نسبت به هویت این شهرها نگران باشد. از سویی هم دولت ایران در پی محدود ساختن هر چه بیشتر قوت معنوی اهل سنت در ایران می باشد، وجود مهاجرین به تقویت معنوی آن ها می افزاید؛ بناء باید مهاجرین را اخراج کند تا سیاست سرکوبگرانه دولت در باره اهل سنت به شکل سهل تر انجام پذیرد .

## بخش دوم: پیامدهای اخراج اجباری مهاجرین افغان از ایران

اخراج اجباری مهاجرین افغان از ایران، صرف‌نظر از دلایل سیاسی و امنیتی، پیامدهای گسترده‌ای در عرصه‌های انسانی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و روانی برای هر دو کشور - به‌ویژه افغانستان - در پی خواهد داشت. در ادامه، این پیامدها به‌صورت تحلیلی بررسی می‌شوند:

### 1. بحران انسانی

بازگشت اجباری صدها هزار مهاجر به کشوری که زیرساخت‌های لازم برای پذیرش آنان را ندارد، سبب شکل‌گیری یک بحران انسانی تمام‌عیار می‌شود. افغانستان در حال حاضر با چالش‌های متعددی چون فقر شدید، بیکاری گسترده، ضعف خدمات صحتی، کمبود سرپناه، و نارسایی در تأمین نیازهای اولیه مواجه است. ورود ناگهانی جمعیت کلان مهاجرین بدون آمادگی قبلی، این مشکلات را به‌شدت تشدید می‌کند. همین اکنون در شهر کابل مشکل سرپناه به قوت وجود دارد، خانه‌کرایه به ندرت یافت می‌شود، این حالت بحرانی در شهر کابل که بزرگ‌ترین شهر افغانستان به شمار می‌رود، بدون شک در شهر هرات و شهرهای دیگری که در مرز با ایران قرار دارند مشکل بی‌سرپناهی چند برابر خواهد بود، این در حالی است که گرمای شدید هم وجود دارد و مهاجرین اخراج شده حتی خیمه هم ندارند تا خود را از شعاع خورشید نگهدارند.

### 2. پیامدهای اقتصادی گسترده

- افزایش فقر و بیکاری: مهاجرینی که در ایران مشغول کار بودند، با بازگشت به افغانستان، به صف بیکاران خواهند پیوست. این مسئله سطح فقر را افزایش می‌دهد.
- افزایش قیمت‌ها و فشار بر بازار: افزایش تقاضا برای کالاهای اساسی، مسکن، سوخت و خدمات درمانی در شهرهای مرزی و مناطق مهاجرپذیر، قیمت‌ها را بالا می‌برد.
- کاهش سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی: شرایط بی‌ثبات و حضور جمعیت بیکار و بی‌خانمان، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده و جریان سرمایه را مختل می‌سازد.
- فشار بر زیرساخت‌ها: تأسیسات محدود خدماتی، نظیر بیمارستان‌ها، مکاتب، سیستم آبرسانی و شبکه حمل‌ونقل، توان پاسخ‌گویی به جمعیت جدید را نخواهند داشت.

- کاهش مبادلات تجاری: روابط متشنج سیاسی میان ایران و افغانستان ممکن است بر حجم مبادلات تجاری نیز اثر منفی بگذارد.

### 3. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

- شکاف فرهنگی و ناهماهنگی اجتماعی: بسیاری از مهاجرین بازگشت‌کننده، سال‌ها در فرهنگ ایرانی زندگی کرده‌اند و بازگشت آنان به جامعه‌ای با هنجارهای متفاوت، مشکلات ادغام فرهنگی را به‌دنبال دارد.
- از بین رفتن مهارت‌های کاربردی: مهاجرینی که در بخش‌های مختلف مهارت یافته بودند، ممکن است در کشور مبدأ زمینه‌ای برای استفاده از این مهارت‌ها نیابند و دچار سرخوردگی شوند.
- افزایش نارضایتی عمومی: ضعف دولت در رسیدگی به وضعیت مهاجرین بازگشتی، به بی‌اعتمادی و شکاف میان دولت و مردم خواهد افزود.

#### 4. پیامدهای امنیتی

• افزایش فعالیت گروه‌های هراس‌افکن: بیکاری و سرخوردگی اجتماعی، می‌تواند بستری مناسب برای جذب افراد در گروه‌های افراطی فراهم کند.

• بی‌ثباتی در مناطق مرزی: حضور جمعیت آواره و عدم مدیریت منسجم می‌تواند به ناامنی و افزایش جرایم در نواحی مرزی بینجامد.

#### 5. پیامدهای روانی و روان‌شناختی

• احساس بیگانگی و طردشدگی: مهاجرینی که سال‌ها در جامعه میزبان ادغام شده بودند، اکنون در سرزمین مادری نیز احساس تعلق نمی‌کنند. ما شاهد هزاران مهاجر بازگشتی هستیم که بیش از سی سال در ایران زندگی کرده‌اند و حتی شماری‌اند که همانجا تولد یافته و بزرگ شده‌اند و در افغانستان که سرزمین آبائی‌شان است حس خود نمی‌کنند.

• افسردگی و اضطراب گسترده: بازگشت ناگهانی بدون حمایت، به بروز بیماری‌های روانی مانند اضطراب، افسردگی و خشم منجر می‌شود.

• تغییر نگرش نسبت به مهاجرت: این تجربه تلخ، دیدگاه مهاجرین نسبت به مهاجرت و کشورهای میزبان را منفی خواهد ساخت. این تغییر نگرش در میان ملت ایران هم تقویت می‌شود و دولت ایران را وادار می‌سازد که قوانین سخت‌گیرانه‌تری را روی دست گیرد.

#### 6. پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک

• تشدید تنش‌های سیاسی میان ایران و افغانستان: اخراج گسترده و غیر انسانی مهاجرین می‌تواند باعث بروز بحران دیپلماتیک میان دو کشور شود.

• تأثیر منفی بر تصویر ایران در سطح بین‌المللی: برخوردهای خشن و گزارش‌های متعدد از رفتارهای غیر اخلاقی با مهاجرین، وجهه اخلاقی جمهوری اسلامی ایران را در عرصه جهانی خدشه‌دار می‌سازد.

#### 7. آسیب به اعتبار نظام بین‌الملل و حقوق بشر

• نقض اصول بنیادین حقوق بشر و مهاجرت: اخراج اجباری بدون در نظر گرفتن وضعیت انسانی و خطرات بالقوه، با اصول کنوانسیون 1951 ژنو در تعارض است.

• ایجاد بحران در نهادهای بین‌المللی امدادی: ورود جمعیت بی‌خانمان به افغانستان، توانایی سازمان‌های امدادی را نیز تحت فشار قرار می‌دهد.

• بحران در مرزها: تجمع مهاجرین در مناطق مرزی، به‌ویژه در نبود کمپ‌های کافی، شرایط بحرانی را برای ساکنان محلی نیز ایجاد خواهد کرد.

#### بخش سوم: راهکارهای کاهش آثار منفی اخراج اجباری مهاجرین افغان

با توجه به پیامدهای گسترده و چندلایه اخراج اجباری مهاجرین افغان از ایران، ضرورت اتخاذ راهکارهای فوری، هدفمند و مبتنی بر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌روشنی احساس می‌شود. این راهکارها می‌بایست بر سه محور کلان استوار باشند:

#### 1: اقدام امارت اسلامی افغانستان؛

2: مشارکت سازمان‌های بین‌المللی؛

3: مسئولیت‌پذیری کشور میزبان در چارچوب حقوق بشر.

### 1. برنامه‌ریزی و مدیریت جامع بازگشت مهاجرین

یکی از نخستین اقدامات مورد نیاز، تدوین یک برنامه جامع، منسجم و چندمرحله‌ای برای بازگشت مهاجرین است. این برنامه باید با مشارکت امارت اسلامی افغانستان، نهادهای امدادی بین‌المللی، و سازمان‌های جامعه مدنی (نهادهای خیریه) طراحی و اجرا گردد. اجزای این برنامه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

• ارزیابی سریع نیازهای بازگشت‌کنندگان: شناسایی وضعیت معیشتی، سلامتی، مسکن، مهارت‌ها و نیازهای اولیه افراد.

• تدوین سیاست بازگشت داوطلبانه با کرامت: فراهم‌سازی شرایطی که مهاجرین بتوانند با اختیار و بدون احساس تحقیر به کشور بازگردند.

• تقویت هماهنگی میان نهادهای دولتی و غیردولتی: ایجاد یک مکانیزم اجرایی برای هماهنگی مؤثر در توزیع منابع و خدمات.

### 2. تسهیل اشتغال و توانمندسازی اقتصادی بازگشت‌کنندگان

بیکاری و فقر از اصلی‌ترین چالش‌هایی است که مهاجرین بازگشتی با آن مواجه خواهند بود. برای پیشگیری از بروز بحران اجتماعی، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

• ایجاد برنامه‌های آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای برای تطبیق سریع با بازار کار.

• پرداخت کمک‌های مالی اولیه (نقدی یا جنسی) به منظور حمایت از آغاز زندگی مجدد.

• توسعه پروژه‌های کوچک و متوسط کارآفرینی با حمایت مالی داخلی و خارجی برای اشتغال‌زایی.

### 3. تقویت زیرساخت‌های خدمات عمومی در مناطقی که مهاجرین مسکن‌گزین می‌شوند.

با توجه به تمرکز مهاجرین بازگشتی در ولایت‌های خاص، نیاز به گسترش زیرساخت‌ها در این مناطق حیاتی است:

• افزایش دسترسی به خدمات صحتی، آموزشی و بهداشتی.

• ایجاد مراکز خدمات اجتماعی برای ثبت‌نام، مشاوره روانی و ادغام فرهنگی.

• توسعه زیرساخت‌های مسکن اضطراری، برق، آب و حمل‌ونقل.

### 4. افزایش همکاری با نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای

دولت افغانستان به تنهایی قادر به مدیریت این بحران نخواهد بود. در نتیجه، نیاز به تقویت همکاری‌های خارجی در محورهای زیر وجود دارد:

• جذب کمک‌های عاجل از نهادهایی چون UNHCR، IOM، WFP و UNICEF.

• برگزاری نشست‌های منطقه‌ای برای جلب توجه کشورهای که در روند مهاجرت نقش داشته‌اند.

• تبادل تجارب با کشورهای مشابه برای بهره‌گیری از الگوهای موفق.

## 5. فراخوان ملی و بسیج منابع داخلی

باور عمومی و مشارکت جامعه داخلی در مدیریت بحران مهاجرت می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. در این راستا، راهکارهای زیر قابل توصیه‌اند:

- ایجاد کمپاین‌های ملی همبستگی با مهاجرین بازگشتی.
- تشویق مؤسسات خیریه و سکتور خصوصی برای حمایت از مهاجرین برگشت داده شده.
- جلب همکاری رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی مثبت و اقدام عاجل به کمک رسانی.

## 6. نظارت، ارزیابی و انعکاس صدای مهاجرین

ارزیابی مستمر روند بازگشت، ثبت چالش‌ها و تحلیل بازخورد مهاجرین برای اصلاح برنامه‌ها ضروری است. اقدامات پیشنهادی شامل:

- تشکیل کمیته‌های نظارت بر روند بازگشت و جابجایی آن‌ها در مناطق مناسب.
- انجام مصاحبه‌ها و تحقیقات میدانی برای شناخت بهتر مشکلات.
- تهیه گزارش‌های دوره‌ای برای عرضه به نهادهای امارتی و بین‌المللی.

## 7. پیگیری حقوقی و دیپلماتیک در برابر رفتارهای غیرانسانی

حکومت افغانستان و نهادهای حقوق بشری باید رفتار غیر انسانی با مهاجرین را از طریق مجاری قانونی و حقوقی پیگیری کنند:

- ثبت رسمی شکایات در سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی ذی ربط.
- مطالبه پاسخگویی از دولت ایران بر اساس تعهدات بین‌المللی.
- توسعه دیپلماسی فعال برای احقاق حقوق مهاجرین در سطح منطقه‌ای.

## 8. ارائه کمک‌های فوری انسانی

در مرحله اول ورود مهاجرین، اولویت با تأمین نیازهای فوری آنان است. از جمله:

- توزیع بسته‌های غذایی، دارویی، پوشاک و مواد بهداشتی.
- ایجاد کمپ‌های موقت با امکانات اولیه.
- استقرار تیم‌های روان‌شناسی برای کاهش فشارهای روحی.

## 9. بررسی علل و عوامل مهاجرت در روشنی اوضاع کنونی

گفتگو با جهت‌های پالیسی ساز و تصمیم گیر امارت اسلامی جهت بررسی عوامل مهاجرت و برداشتن این عوامل.

- رساندن نتایج گفتگو و همه‌پرسی عوامل مهاجرت به رهبران امارت اسلامی جهت جلوگیری از مهاجرت ملت به بیرون از کشور.
- وضع میکانیزم‌های واضح و قابل پیمایش برای ادغام مهاجرین برگشت شده در جامعه افغانی و دادن اطمینان به آن‌ها تا باردیگر در جستجوی بیرون شدن نشوند و به زندگی خود در کشور با دلگرمی ادامه دهند.

## بخش چهارم: ابعاد حقوقی و انسانی اخراج اجباری مهاجرین افغان

اخراج اجباری مهاجرین، به‌ویژه در شرایطی که بازگشت آنان به کشور مبدأ با خطرات جدی مواجه است، از منظر حقوق بین‌الملل، اصول حقوق بشر و موازین انسانی، چالش‌های قابل‌توجهی را ایجاد می‌کند. اقدام اخیر دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اخراج گروهی مهاجرین افغان، نه تنها پیامدهای انسانی گسترده‌ای در پی داشته، بلکه با تعهدات حقوقی آن کشور در حوزه حقوق مهاجرت و حقوق بشردوستانه نیز در تعارض آشکار قرار دارد.

### 1. نقض اصل بنیادین عدم بازگرداندن اجباری

یکی از اصول اساسی در حقوق بین‌الملل پناهندگی، اصل «عدم بازگرداندن اجباری» است که بر اساس ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در خصوص وضعیت پناهندگان، دولت‌ها را از بازگرداندن افرادی که در معرض خطر شکنجه، پیگرد یا رفتارهای غیر انسانی قرار دارند، منع می‌کند. بسیاری از مهاجرین افغان، به‌ویژه آنانی که از خشونت، جنگ، آزار سیاسی یا تبعیض فرار کرده‌اند، تحت این اصل قرار می‌گیرند.

اخراج اجباری بدون بررسی فردی وضعیت مهاجرین، نقض آشکار این اصل محسوب می‌شود و می‌تواند به بازگرداندن افراد به شرایطی منتهی شود که جان، آزادی و کرامت آنان را تهدید می‌کند. شمار زیادی از مهاجرینی که در چهار سال اخیر به ایران فرار کرده‌اند کسانی‌اند که در دولت جمهوری کارمندان بلند رتبه دولت بوده و یا در اداره‌های امنیتی و نظامی کار کرده‌اند. در جریان بیست سال اخیر میان آن‌ها و افراد مربوط به امارت اسلامی کنونی جنگ رخ داده است و ایشان از این ترس دارند که نشود به جان یا عزت شان تجاوز صورت گیرد. اگر این نگرانی را هم نداشته باشند لا اقل از بیکاری و نا بسامانی معیشتی رنج می‌برند و نمی‌توانند که وضع اقتصادی خود و فامیل‌های خود را سامان بخشند، وعده‌ای هم‌اند که به خاطر ادامه درس فرزندان دختر خویش به آن کشور رفته‌اند. هریک از این نگرانی‌ها سبب می‌شود که از بازگشت به افغانستان ابا ورزند.

### 2. تعارض با کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر

ایران، به‌عنوان یکی از کشورهای عضو «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ICCPR)، موظف است از حقوق بنیادین انسان‌ها صرف‌نظر از تابعیت‌شان، محافظت کند. اخراج اجباری، به‌ویژه زمانی که با خشونت، بازداشت غیرقانونی، جداسازی خانواده‌ها، یا نبود امکان دسترسی به روندهای دادرسی عادلانه همراه باشد، نقض مواد متعدد این میثاق، به‌ویژه ماده ۷ (منع شکنجه و رفتار غیر انسانی) و ماده ۱۷ (حق بر حریم خصوصی و خانواده) تلقی می‌شود.

### 3. آسیب به یکپارچگی خانواده و حقوق کودکان

در بسیاری از موارد، اخراج اجباری سبب جدایی اعضای خانواده، خصوصاً والدین از فرزندان یا کودکان از سرپرستان قانونی می‌گردد. این امر برخلاف اصول «کنوانسیون حقوق کودک» (CRC) است که ایران نیز آن را امضا کرده است. ماده ۹ این کنوانسیون، تأکید دارد که کودکان نباید بدون ضرورت از والدین خود جدا شوند. بازگرداندن اجباری کودکان یا زنان بدون بررسی وضعیت، نقض آشکار حقوق آن‌ها به شمار می‌رود. در حالی که در جریان این اخراج‌های اجباری هزاران کودک افغان‌اند که از سرک و مکتب و نانوایی دستگیر شده و به اجبار از خانواده‌های شان جدا کرده شده رد مرز شده‌اند، در حالی که شماری از آن‌ها ولایت خود را همی نمی‌شناسند چه رسد به این خویشاوندان شان.



#### 4. نقض ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر

مطابق ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هر کس حق دارد در برابر آزار و اذیت، در کشورهای دیگر پناه بجوید و از آن بهره‌مند شود». اگرچه این اعلامیه الزام‌آور نیست، اما به‌عنوان منبع اصلی الهام برای قوانین بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود و رعایت آن از سوی دولت‌ها به‌عنوان هنجار اخلاقی و سیاسی مورد انتظار است.

اخراج گروهی بدون اعطای فرصت جستجوی پناهندگی، برخلاف روح این ماده است.

#### 5. محدودیت‌های حقوقی در اخراج گروهی

حقوق بین‌الملل اخراج گروهی مهاجرین را که بدون ارزیابی فردی از وضعیت حقوقی هر مهاجر انجام گیرد، ممنوع می‌داند. چنین رفتاری بر مبنای تبعیض قومی یا نژادی یا صرفاً تابعیت افراد، غیرقانونی و ناقض اصل انصاف و منع تبعیض است.

#### 6. چالش‌های اخلاقی و فروپاشی مشروعیت بین‌المللی

رفتارهای غیر انسانی در فرآیند اخراج، از جمله بدرفتاری‌های پلیس، توهین، ضرب و شتم، مصادره اموال یا انتقال غیرقانونی به مرزهای ناامن، نه تنها پیامدهای انسانی فاجعه‌بار دارد، بلکه مشروعیت بین‌المللی کشور میزبان را نیز تضعیف می‌سازد. چنین اقداماتی می‌توانند زمینه‌ساز قطع همکاری‌های نهادهای بین‌المللی با آن کشور و تشدید انزوا در سیاست خارجی آن شوند.

### بخش پنجم: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی کلی

تحولات اخیر پیرامون اخراج اجباری مهاجرین افغان از ایران، بازتاب‌گر یک بحران پیچیده انسانی، سیاسی، امنیتی و حقوقی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ابعاد قابل تأملی یافته است. این اقدام، هرچند از نگاه دولت ایران در راستای تأمین منافع داخلی و کنترل فشارهای اجتماعی، اقتصادی و امنیتی توجیه می‌شود، اما در عمل با آثار گسترده‌ای مواجه است که نه تنها جامعه مهاجر افغان، بلکه نظم حقوقی و اخلاقی منطقه را نیز متأثر ساخته است.

#### 1. از منظر انگیزه‌ها و اهداف ایران

اخراج مهاجرین افغان بخشی از راهبردهای داخلی و منطقه‌ای ایران برای مدیریت بحران‌های امنیتی، اجتماعی به شمار می‌رود. در عین حال، این اقدام پیامی سیاسی برای دولت امارت اسلامی افغانستان، جامعه بین‌المللی و مخالفان داخلی نظام ایران نیز دارد. دولت تلاش دارد با استفاده از حس بیگانه‌هراسی در بخشی از جامعه، انسجام داخلی خود را حفظ و افکار عمومی را از بحران‌های اقتصادی و ناکارآمدی‌های داخلی منحرف کند. دولت ایران با این اقدام در پی تقویت موقعیت خود در میان ملت ایران است تا تعداد بیشتر از اقشار جامعه در در کنار خود ایستاد کند و بهانه‌های مخالفت با دولت را از ملت خود بگیرد یا آن‌ها را در وضعی ضعیف قرار دهد.

#### 2. از منظر پیامدها

پیامدهای این روند بسیار گسترده و چندلایه‌اند. از یک‌سو افغانستان با یک بحران انسانی فزاینده مواجه شده است؛ کمبود سرپناه، بیکاری، فشار بر خدمات عمومی، و شکنندگی اجتماعی در حال افزایش است. از سوی دیگر، روابط دیپلماتیک ایران و افغانستان تحت فشار قرار گرفته و تصویر بین‌المللی ایران در زمینه رعایت حقوق بشر آسیب دیده است. افزون بر آن، افزایش احساسات ناسیونالیستی، نژادگرایی و بیگانه‌هراسی در جامعه میزبان می‌تواند تهدیدی جدی برای همزیستی مسالمت‌آمیز داخلی نیز باشد. از سوی دیگر همه ملت افغانستان را در برابر کشور ایران حساس ساخته است و ملت افغانستان در برابر نظام جمهوری اسلامی به شدت حساس شده‌اند و حس بدبینی شان در برابر آن‌ها بالا گرفته است. حس اخوت دینی و اسلامی به شدت آسیب پذیر شده است.

### 3. از منظر حقوقی و انسانی

این اقدام با اصول اساسی حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل عدم بازگرداندن اجباری، ممنوعیت اخراج گروهی، احترام به حقوق کودکان و خانواده، و تعهدات ایران در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی در تضاد آشکار قرار دارد. نقض این تعهدات می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات حقوقی بین‌المللی و افزایش فشار نهادهای حقوق بشری گردد. و گروه‌های فرهنگی و قانونی حق خود می‌دانند که علیه اقدامات ایران در محکمه‌های بین‌المللی شکایت‌هایی را به ثبت برسانند و از این طریق نظام جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند و چهره‌اش را در جهان خدشه دار سازند.

### 4. از منظر سیاست‌گذاری و آینده‌نگری

برای مدیریت این بحران، یک رویکرد مبتنی بر همکاری چندجانبه میان امارت اسلامی، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های امداد رسان، و جوامع مدنی ضروری است. حمایت فوری، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای اسکان و اشتغال، نظارت حقوقی بین‌المللی، و بهره‌گیری از دیپلماسی فعال باید در اولویت قرار گیرد. در کنار آن باید نهاد‌های امداد رسان داخلی نیز فعال گردند و یک فراخوان بزرگ ملی را با همکاری نهاد‌های رسمی اعلان کنند تا در وهله نخست به وضعیت مهاجرین رسیدگی صورت گیرد.

### 5. وضع استراتژی فعال برای مدیریت بازگشت مهاجرین

امارت اسلامی، به‌ویژه وزارت مهاجرین، باید با همکاری نهادهای ذی‌ربط دیگر یک استراتژی جامع برای مدیریت بهتر مهاجرین بازگشتی تدوین و به مرحله اجرا بگذارد. این استراتژی شامل حمایت معیشتی، اسکان مجدد، بهبود زیرساخت‌ها و تعامل دیپلماتیک با کشورهای همسایه خواهد بود.

### 6. باقی ماندن در کشور و عدم تلاش برای مهاجر شدن

ملت افغانستان به جای مهاجرت به کشورهای دیگر و زندگی در رقت و حقارت، باید حوصله و صبر داشته باشند و راه‌های بدیلی برای زندگی در کشور خود جستجو کنند. افرادی که در این کشور باقی مانده‌اند، با ابتکار و تحمل سختی‌ها و برنامه‌ریزی منظم، توانسته‌اند وضع زندگی خود را سامان دهند و درهای زندگی بهتری را به روی خود بکشایند. ما شاهد هزاران مهاجری هستیم که به کشور برگشته و از صفر شروع کرده و زندگی خوب و عزتمندی را برای خود رقم زده‌اند.

### 7. پیشنهاد به نظام امارت اسلامی

به نظام امارت اسلامی پیشنهاد می‌شود که با پیش آمدن وضعیت کنونی، آغوش خود را به شکل حقیقی و برادرانه به روی مهاجرین بگشاید و به خواست‌های مشروع آن‌ها پاسخ مثبت دهد تا عوامل مهاجرت به شکل ریشه‌ای از بین برود و انگیزه‌ای برای خروج از کشور باقی نماند. بی‌شک عوامل مهاجرت تنها در فقر و تنگدستی نهفته نیستند؛ بلکه مسائل سیاسی، امنیتی، آموزشی و اجتماعی نیز نقش مهمی دارند. این مسائل باید شناسایی و به آن‌ها رسیدگی شود تا مردم به جای فرار، به همکاری با دولت و نظام سیاسی روی آورند و یکپارچگی و وحدت ملی تحقق یابد.

### 8. تبدیل بحران و چالش به فرصت

گاهی در دل درد درمان نهفته است و در دل بحران و چالش، فرصت‌های بزرگ وجود دارد. مهاجرینی که از ایران اخراج می‌شوند، باید امید خود را به زندگی در کشور خود ببندند و برای رسیدن به زندگی شگوفای وطن خود تلاش کنند. بسیاری از کسانی که از کشورهای مهاجرپذیر به میهن خود بازگشته‌اند، برای زندگی بهتر برنامه‌ریزی کرده و تلاش کردند و به جایگاه بلند و رفاه دست یافته‌اند.

## منابع:

• کنوانسیون پناهندگی 1951

• پروتکل الحاقی 1967

• اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده 14)

• میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد 12 و 13)

• گزارش‌های UNHCR و IOM در مورد وضعیت مهاجرین افغان

[Https://t.me/emranmadani](https://t.me/emranmadani)